

زمان شاه پزشکان بیشتر چپ بودند| هنر این نیست کشور را رها کنیم. هنر این است که بمانیم و مشکلات کشور را حل کنیم؛ باید بمانیم و بجنگیم و ادامه دهیم| به عنوان رئیس جمهور زندگی راحتی ندارم| فرهنگ یک نگاه بسته و زور گفتن نیست.

مسعود پزشکیان، رئیس جمهور خطاب به نخبگان،



مسعود پزشکیان رئیس جمهور اسلامی ایران در چهاردهمین همایش ملی نخبگان اظهار کرد:

زمان شاه دانش آموز معمولی بودم و ادعای نخبگی نداشتم و بعد دیپلم به خدمت رفتم و بعد به زابل رفتم. از شهر که بیرون آمدم دیدم دنیا شکل دیگری است و باید طور دیگری نگاه کرد. در منزل بازی گوی می کردم و وقتی به خدمت سربازی رفتم دیدم نمی توان اینگونه زندگی کرد و باید به گونه دیگری عمل کرد. پشتوانه پولی که نداشتم و پدرم یک کارمند معمولی بود و یک خانواده معمولی داشتم و کلاس آنچنانی هم نرفته بودم ولی تصمیم گرفتم طور دیگری زندگی کنم.

به گزارش اسپادانا خبر، وی ادامه داد:

نپذیرفتم در جامعه ای زندگی کنم که به ما زور بگویند. خدمت ضربه ای به ما زد و تصمیم گرفتم به دانشگاه رفته و پزشکی بخوانم. من دیپلم هنرستانی داشتم و باید یک دیپلم دیگری بگیرم. ورود به دانشگاه نمره خوب نیاز داشت. وقتی تصمیم گرفتم شبانه روز درس خواندم و دانشجوی پزشکی شدم. خودم شوکه شده بودم و فکر نمی کردم به دانشگاه بروم مثل الان که فکر نمی کردم رئیس جمهور بشوم. دیدم راستی راستی دانشجو شده ام. آنجا تصمیم گرفتم مشکل مردم را حل کنم تا به باور ما اعتقاد پیدا کنند. زمان شاه پزشکان بیشتر چپ بودند و خیلی ما را تحویل نمی گرفتند ولی تصمیم گرفتم با مهارت به مردم خدمت کنم. بعد انقلاب طراحی کردیم که چگونه مشکل مردم روستاها را حل کنیم. در زمان جنگ در عملیات های لشکر عاشورا یا حضور داشتیم یا نیرو می فرستادیم. ما باید از آب و خاک خود دفاع می کردیم. بعد از جنگ دنبال گرفتن تخصص بودیم. جراح قلب در تبریز نوبت دو سه ماهه می داد من گفتم باید این مشکل را حل کنم و دنبال تخصص رفتم تا این مشکل مردم حل شود. نفر دوم در آزمون شدم. اساتید این رتبه مرا باور نمی کردند و نمی آمدند جراحی به ما یاد بدهند چون فکر می کردند ما بازیگوش بودیم. جراح قلب شدم تا مشکل مردم را حل کنم نه این که به پول و مقام برسیم. الان نه مطلب دارم نه سهام دارم. چرا نتوانیم مشکل مردم خود را حل کنیم؟ این درد ما را به سیاست کشاند. وقتی نماینده شدم متوجه شدم با یک تصمیم می توانیم مشکل همه مردم را حل کنیم. باید کاری می کردیم مشکل بهداشت و درمان همه مردم را حل کنیم. در قانون برنامه سوم سلامت مردم به بازار داده بودند که هرکسی پول داشت بتواند عمل کند. جان مردم قابل معامله نیست و نمی توان گفت چون پول ندارید، عمل نمی کنیم. نمی توان سلامت مردم را به بازار سپرد. ما قانون را اصلاح کردیم ولی برخی بخش های آن اجرا شد و برخی بخش ها اجرا نشد.

پزشکیان با بیان این که «ما ایرانی هستیم و برای کشور خود باید راه چاره پیدا کنیم» ادامه داد:

قرار نیست دیگران برای ما راه پیدا کنند. اگر کسانی که می دانند، اراده کنند، راه پیدا می شود. اگر راه پیدا نشد راه می سازیم تا مردم را از این شرایط خارج کنیم. آدم هایی می توانند ما را نجات دهند که این وضعیت را نمی پذیرند. هنر این نیست کشور را رها کنیم هنر این است که بمانیم و مشکلات کشور را حل کنیم. کسانی می توانند کمک کنند که ذهن خلاق، پویا و نا آرام دارند. کسانی که قالب را می پذیرند نمی توانند مشکلات را حل کنند. هنر این است که با وجود مشکلاتی که درست می کنند، بمانیم و دنبال حل مشکلات کشور باشیم. من را برای نمایندگی رد صلاحیت کردند. با این نوع نگاه ها درگیر هستیم و باید بمانیم و بجنگیم و ادامه دهیم تا مشکل کشور را حل کنیم. مشکل با کسانی حل می شود که اراده دارند و درد مردم را دارند. مرد را دردی اگر باشد خوش است، درد بی دردی علاجش آتش است. باید از این وضعیت که در آن گرفتاریم باید خارج شویم. باید

مهارت و انگیزه برای حل مشکلات داشت. من به عنوان رئیس‌جمهور زندگی راحتی ندارم. گاهی سوالاتی از خودم می‌کنم که برای خودم هم عجیب است اما گواراست که مشکلات مردم را حل کنیم. ما نیامده‌ایم که برای خود و اطرافیان محلی برای خوردن و بردن و قیافه گرفتن درست کنیم. آمده ایم مشکل مردم را حل کنیم. برای حل مشکلات که راحت هم نیست، باید مهارت کار تیمی، حل مساله، ارتباطات، ساختارمندی و مدیریت را آموزش داد. گاهی دو نفر هم نمی‌توانند با هم کار کنند. همه تنها هستند و وقتی به مشکل می‌خورند، قهر می‌کنند. کار تیمی تغییر رفتار می‌خواهد. باید با هم هم افزایی کنیم. ارتباطات روش می‌خواهد. این‌ها باید در مدرسه آموزش داده شود. روش آموزش ما از نظر علمی درست نیست.

وی با اشاره به این‌که «کشور برای برون رفت از چالش‌ها به نخبگان نیاز دارد» افزود:

نخبگان باید گره مردم را باز کنند و کاری کنیم مشکلات فرهنگی و اجتماعی حل شود. فرهنگ یک نگاه بسته و زور گفتن نیست. اگر بتوانیم الگوی انسان عاقل و توانمند و بااخلاق و خلاق شویم دیگران می‌آیند شبیه ما بشوند. نه این‌که دستور دهیم که اینگونه بشوند. اصلاً تو چه کسی هستی که من مثل تو بشوم؟ چرا باید مثل تو بشوم؟ به چه چیز تو باید دل خوش کنم؟ اگر از نظر اخلاقی و رفتاری و مدیریتی و هنر و دانایی خوب باشیم، همه دوست دارند از ما چیزی یاد بگیرند. باید با رفتار به دیگران بگوییم چگونه باشند نه با زور گفتن، تهدید کردن، گرفتن و اخراج کردن که گاهی در جامعه با آن گرفتار هستیم. در قرآن گفت وگویی بین ملائکه و خدا هست خداوند می‌گوید می‌خواهم روی زمین خلیفه ایجاد کنم. ملائکه گفتند می‌خواهی انسانی خلق کنی که روی زمین فساد کنند و خون بریزند؟ همین آمریکا و اسرائیل از علم و فناوری برای کشتن مردم استفاده کرده و قلدری می‌کنند. خداوند می‌گوید می‌دانم آنچه شما نمی‌دانید. این انسان دانایی دارد. ملائکه در برابر انسان سجده کردند اما ابلیس در برابر دانایی سر خم نکرد. دانایی سلطان است و می‌تواند ما را نجات دهد. علم برای توانمندی و کمک به بشر است. جامعه‌ای که علم در آنجا بالاترین جایگاه را دارد، امکان ندارد در رفتاری و فقر بماند. علم برای رسیدن به ارزش‌هاست نه رسیدن به نامی و نانی. باید دنبال افرادی باشیم که می‌فهمند، می‌دانند و می‌توانند. باید این باور در ما ایجاد شود که هر جا اراده باشد، راه هست. نخبگان باید برای حل این مشکلات کشور فکر کنند. زمان ما گذشته و شما برای این کشور و مردم بمانید و ایران را با سربلندی به رخ دنیا بکشانید.

برچسب‌ها: [مسعود پزشکیان](#) [1]

[فرهنگ](#) [2]

[تاریخ](#) [3]

[دانشگاه](#) [4]